

سلام اللہ علیہا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل

www.noorfatemah.org

فَضَائِلُ الرَّهْمَاءِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

على كبرستانى

تلاقی، علی اکبر، ۱۳۴۲ -

فضائل الزهراء (ع) / علی اکبر تلاقی - تهران: نیک معارف، ۱۳۷۹.

۷۲ ص. ۸۰ x ۱۱/۵ س. م. ISBN 964 - 5567 - 11 - 4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۶۷ - ۷۲.

چاپ هشتم.

۱. فاطمه زهرا (ع)، ۱۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۹۷۳

۶ ف ۸ ت / ۲ / ۲۷ BP

۱۰۰۳۷ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران



۶۴۸۰۰۲۶ ①

انتشارات نیک معارف

نام کتاب: فضائل الزهراء (ع)

مؤلف: علی اکبر تلاقی

نوبت چاپ: هشتم، ۱۳۷۹

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شفق

صحافی: مجید

قیمت: ۹۰ تومان

مرکز بخش: ۶۴۸۰۰۲۶

شابک ۹۶۴ - ۵۵۶۷ - ۱۱ - ۴ ISBN 964 - 5567 - 11 - 4

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا»:

حقیقت آنکه الله خواهد از شما اهل بیت هر گونه

پلیدی را ببرد و شما را پاکیزه کند. (احزاب/ ۳۳)

از آنجا که رب العالمین خلعت عصمت و طهارت را
بر قامت قویم رسول الله و خاندان پاکش علیهم السلام
راست گرداند و آن بزرگواران در مراحل زندگی خود
هیچ گونه لغزشی را مرتکب نشدند، ما بندگان را گریز و
گزیری نماند جز آنکه از سرفقر و افتخار روبه جانب
آنان کنیم و از آنان هر چه آموختنی است بیاموزیم؛ شاید
که در شاهراه هدایت قدمی چند فرابیش نهم.

البته چنین مقصودی حاصل نشود جز آن هنگام که به
متون اصیل و معتبر اسلامی مراجعه کنیم و شخصیت ممتاز
و بی نظیر آن دودمان گرامی را در مقام علم و عمل بشناسیم.
از این رو بر آن شدیم که با فراهم آوردن مجموعه
حاضر هم خود بهره‌ای برده باشیم و هم سهمی هر چند
اندک در آشنایی مردم مسلمان، خاصه جوانان، با اهل بیت

عليهم السلام داشته باشیم .

در هر جزء از این مجموعه، ابتدا زندگانی و تاریخ
مختصر یکی از آن خاندان مبارك ارائه شده و به دنبال آن
فضائل و مناقبش گفته آمده است .

گفتنی است که فضائل و مناقب اهل بیت عليهم
السلام بیش از آن است که در دفتری بگنجد ولی به لحاظ:
آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید
فقراتی کوتاه از آنها را برگزیده، باز گومی کنیم .

در این مجموعه سعی بر این بوده که هر مطلب یا حدیثی
مبتنی بر مدارك درجه اول اسلامی باشد تا اطمینان
بیشتری برای خوانندگان گرامی حاصل آید .

امید آنکه پرتوی از فضائل آن اسوه‌های الهی در
گفتار، کردار و اندیشه ما نیز انعکاس یابد و آن
بزرگواران ما را نیز در زمره شیعیان‌شان بپذیرند .

از خداوند کریم تعجیل در ظهور آخرین ایشان
حضرت مهدی علیه السلام را مسألت داریم .

علی اکبر تلافی

۲۴ شوال ۱۴۱۳ هـ

تهران: ص. پ ۴۵۳ / ۱۴۴۵۵

فهرست مطالب

زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام	۷
مقام فاطمه علیها السلام	۳۳
بزرگداشت فاطمه علیها السلام	۳۷
سیادت فاطمه علیها السلام	۴۰
محبت فاطمه علیها السلام	۴۲
محبوبیت فاطمه علیها السلام	۴۴
عصمت فاطمه علیها السلام	۴۵
صداقت فاطمه علیها السلام	۴۹

- شبا هت فاطمه به پیامبر (ص) ۵۰
- حرمت نام فاطمه علیها السلام ۵۲
- تفسیر نام فاطمه علیها السلام ۵۵
- عبادت فاطمه علیها السلام ۵۶
- حجاب فاطمه علیها السلام ۵۸
- خانه داری فاطمه علیها السلام ۵۹
- همسر داری فاطمه علیها السلام ۶۰
- صلوات و سلام بر فاطمه علیها السلام .. ۶۲
- زیارت فاطمه علیها السلام ۶۴
- کیفیت زیارت فاطمه علیها السلام ۶۶
- فهرست منابع ۶۸

زندگانی حضرت فاطمه علیها السّلام

فاطمه علیها السّلام آخرین فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری علیها السّلام است. آن حضرت، به گواهی امام صادق علیه السّلام، در روز بیستم جمادی الثانی از سال پنجم بعثت (هشت سال پیش از هجرت) دیده به جهان گشود. (دلائل الامامه/۱۰)

به گواهی امام صادق علیه السّلام فاطمه را نزد خدای عزّ و جلّ نه اسم باشد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکّیه، راضیه، مرضیه، محدّثه و زهرا. (خصال ۴۱۴/۲، دلائل الامامه/۱۰)

و نامهای بتول، حصان، حرّه، سیده، عذراء،
 حوراء، مریم کبری، نوریّه، سماویّه، منصوره
 و حانیّه را نیز از آن فاطمه علیها السلام
 دانسته‌اند. (مناقب ابن شهر آشوب ۳۵۷/۲، تفسیر فرات/۳۲۱)
 کنیه‌های آن حضرت امّ الحسن، امّ الحسین،
 امّ المحسن، امّ الائمه، امّ أبیها و امّ المؤمنین آمده
 است. (مناقب ابن شهر آشوب ۳۵۷/۲، الاقبال/۶۲۴)



هشت سال اوّل زندگی حضرت زهرا علیها
 السلام در شهر مکه سپری شد. آن حضرت در
 این مدت سختیهای زیادی کشید، آزار و اذیت
 قریش نسبت به رسول الله صلی الله علیه و آله
 را نظاره کرد (سیره ابن اسحاق/۲۱۱) و خود، خانواده و
 مسلمانان را در محاصره اقتصادی دشمن گرفتار
 دید. و در سال دهم بعثت مادرش خدیجه را نیز

از دست داد. (طبقات ابن سعد ۱/۱۲۵) با وجود این، او دلخوشی هم داشت. خانه‌اش محل آمد و شد فرشتگان آسمان بود. آنها با پدر مأنوس بودند. جبرئیل آیه‌های قرآنی را یکی پس از دیگری به ارمغان می‌آورد. و فاطمه علیها السلام هم به آنها گوش جان می‌سپرد و آموزشهای پیامبر صلی الله علیه و آله را در صحیفه دل می‌نگاشت.

آن حضرت در سن هشت سالگی، در پی هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله به مدینه، راهی آن شهر شد و زندگی جدیدی را آغاز کرد.

* * *

فضیلت‌های خانوادگی و مناقب شخصی فاطمه علیها السلام سبب می‌شد که حضرتش

خواستگاران زیادی داشته باشد. آنان یکی پس از دیگری - که ابوبکر و عمر هم در میانشان دیده می شدند - خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را دق الباب می کردند و خواسته خویش را با حضرتش در میان می نهادند؛ و بی آنکه توفیقی یابند باز می گشتند.

سرانجام خواستگاران، علی را گفتند: تو به خواستگاری او برو! (طبقات ابن سعد ۱۱/۸ و ۱۲، الرياض النضرة ۱۴۵/۳)

امام علی علیه السلام به خواستگاری فاطمه علیها السلام رفت و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به فرمان الهی، ایشان را به دامادی پذیرفت. (الرياض النضرة ۱۴۲/۳ و ۱۴۵)

شیخ صدوق نویسد: رسول الله به علی صلی الله علیه و آله گفت: یا علی! مردانی از قریش مرا درباره فاطمه سرزنش کردند و گفتند: ما

او را از تو خواستیم، ولی تو او را از ما بازداشتی و
به علی سپردی! من به آنان گفتم: سو کنند
به خدای، من او را از شما باز نداشتیم و من او را به
علی نسپردم، بلکه الله تعالی او را از شما
بازداشت و به ازدواج علی در آورد. جبرئیل بر
من نازل شد و گفت: یا محمد! خدای فرماید:
اگر علی را نمی آفریدم، فاطمه دخترت را بر
روی زمین همتایی نبود؛ از آدم گرفته تا به
دیگران. (المیون ۱/۲۲۳)

مراسم ازدواج در سال دوم هجری برگزار
شد و فاطمه علیها السلام به خانه شوهر
رفت. (مروج الذهب ۲/۲۹۵)

ابن عباس گوید: شی که فاطمه را نزد علی
-رضی الله عنهما- می بردند، پیامبر صلی الله
علیه و آله و سلم از جلو و جبرئیل از راست و
میکائیل از چپ و هفتاد هزار فرشته به دنبال

آن حضرت حرکت می کردند که همگی خدای
تبارک و تعالی را تا سحرگاهان تسبیح و تقدیس
می کردند. (ینایع الموده ۱۷/۱)

جابر نیز گوید: ما به جشن عروسی علی رفتیم.
من جشنی نیکوتر از آن ندیده بودم. خانه مملوّ از
بوی عطر بود و با خرما و زیتون پذیرایی
شدیم. (الریاض النضره ۳/۱۴۴)

اولین ثمره این ازدواج آسمانی، در سال سوم
هجری هویدا گشت (کافی ۱/۶۱۱) و نام آن مولود
مبارک را حسن نهادند.

* * *

در همین سالها جنگ اُحُد بین مسلمانان و کفار
مکه در نزدیکی مدینه اتفاق افتاد. در این
جنگ به علت غفلت و سرپیچی برخی از
مسلمانان از فرمانهای رسول الله صلی الله علیه

و آله، سپاه اسلام دچار شکست شد و تعداد
زیادی جنگاور مسلمان، از جمله حضرت حمزه
عموی پیامبر، به شهادت رسیدند.

واقعی نویسد: فاطمه و گروهی از زنان در
این حادثه به یاری زخمیان و مجروحان شتافتند.
آنان آب و خورده‌ی بردوش حمل می‌کردند،
مجروحان را آب می‌دادند و زخمهای آنان را
مداوا می‌کردند. وقتی فاطمه پدر و جراحتهایش
را دید، حضرتش را در آغوش کشید و رخسار
خونینش را شستشو داد.

همو می‌افزاید: فاطمه هر دو یا سه روز يك
بار خود را بر مزار شهیدان می‌رساند و برای
آنان می‌گریست و دعا می‌کرد. (مغازی ۱/۲۴۹ و
۲۹۰ و ۳۱۳)

جز جنگ احد، جنگهای زیاد دیگری نیز
اتفاق افتاد. پیامبر و علی صلی الله علیهما و آلهما در

بسیاری از این نبردها شرکت فعال داشتند.
فاطمه علیها السلام با فداکاریهای بسیار،
قلب پدر را شاد می کرد و خستگیها را از چهره
شویش می زدود.

آخرین شخصی که رسول الله صلی الله علیه
و آله به هنگام سفر از او جدا می شد، فاطمه
علیها السلام بود. و به هنگام باز گشت، نخستین
کسی که حضرتش به دیدار او می شتافت،
فاطمه بود. (ذخائر العقبی/ ۳۷)

علی علیه السلام فرماید: وقتی به خانه
می آمدم و به زهرا علیها السلام نگاه می کردم،
تمامی غمها از دلم زدوده می شد. (مناقب
خوارزمی/ ۲۵۶)

با این همه، حضرت زهرا علیها السلام از
اوضاع اجتماع نیز غافل نبود. وقتی زنان مسلمان
از حضرتش سؤال می کردند آن حضرت با حلم

و حوصله بسیار به سخنان آنان گوش فرامی داد
و پاسخهای لازم را ارائه می فرمود. (تفسیر
الامام/ ۳۰۸ و ۳۰۹)

* * *

حضرت زهرا علیها السلام اگرچه تلخیهای
بسیار چشید و روزهای سختی را گذراند، اما در
مقایسه با فتنه های پس از پیامبر صلی الله علیه
و آله، آن روزها، روزهای خوشی بود.

در پی ارتحال جهانسوز پدر، اندوهی
جانسوز بر فاطمه علیها السلام مستولی شد که
در برابر آن چاره ای جز صبر و گریه نداشت.
حضرتش چنان در فراق رسول خدا صلی الله
علیه و آله نالید و گریست که اهل مدینه
پیغامش دادند که: تو با گریه های فراوانت ما را
آزرده ساختی! (خصال ۱/ ۲۷۳)

و هنوز پیکر بی بدیل پیامبر صلی الله علیه
و آله بر زمین بود که غوغای سقیفه به پا شد و در
پی آن ابوبکر بر مسند خلافت و جانشینی تکیه
زد....

این حادثه بر فاطمه علیها السلام بسیار گران
آمد و غمی دیگر بر غمهایش افزود. زیرا اینک
به دنبال مرگ رسول، مرگ رسالت را نیز به
چشم می دید. آن حضرت بارها دیده بود که پدر
در مناسبت های گونه گون، علی علیه السلام را به
عنوان وصی و جانشین پس از خود معرفی می کرد.
مردم گروه گروه با خلیفه بیعت کردند، اما
از علی علیه السلام و یارانش خبری نشد. چند
روز گذشت... باز هم خبری نیامد. دستگاه
خلافت بر آن شد که علی علیه السلام و
یارانش را وادار به بیعت کند... و از این رو
شد آنچه نباید می شد:

عمر بن خطاب به منزل علی علیه السلام در
آمد و گفت: سو گند به خدا که آتش بر سر شما
آورم مگر اینکه برای بیعت خارج شوید! (تاریخ
طبری ۴۴۳/۲)

به عمر گفتند: ای ابو حفص! در این خانه،
فاطمه هست! او گفت: باشد! (الامامة والسياسة ۱۲/)

ابن عبدربه اندلسی (۴۹۵ هـ) گوید: ابوبکر،
عمر بن خطاب را فرستاد تا علی، عباس و زبیر را
که از بیعت سرباز زده بودند از خانه فاطمه
بیرون کشد، و به او گفت: اگر خودداری
ورزیدند، با آنان بجنگ. عمر هم مشعلی آتشین
با خود آورد تا خانه را به آتش کشد. فاطمه با
وی روبرو شد و فرمود: ای فرزند خطاب!
آمده‌ای خانه ما را به آتش کشی؟! عمر گفت:
آری! مگر آنکه شما نیز همانند دیگران بیعت
کنید. (العقد الفرید ۲۷۳/۳)

از سرستیز به روی مأموران بسته بودند.
دیگری آنکه کاش روز سقیفه، خلافت را
بر عهده عمر یا ابوعبیده می گذاردم و خود
وزیر می شدم.

و سوم آنکه کاش «فجاءه» را نمی سوزاندم،
بلکه یا او را به آهن می کشتم و یا رهایش
می ساختم. (شرح نهج البلاغه ۴۶/۲-۴۷، الامامة و السياسة ۱۸)
حضرت زهرا علیها السلام در برابر فتنه
سقیفه و اقدامات دستگاه خلافت، آن روز به
مبارزه آشکار دست زد. او شبها بر پشت استری
سوار می شد و به همراه همسرش علی علیه السلام
به منازل انصار می رفت و از آنها یاری
می طلبید. آنان در پاسخ می گفتند: بیعت ما با
این مرد گذشت. اگر همسرت خود را زودتر از
ابوبکر بر ما عرضه می کرد، با وی بیعت
می کردیم.

علی علیه السلام در جواب آنان می فرمود:
آیا جنازه رسول الله صلی الله علیه و آله را
بر زمین رها می کردم و از برای سلطنت با مردم
به نزاع می پرداختم؟! فاطمه علیها السلام نیز
می افزود: آنچه ابوالحسن کرد به سزا بود. به
خدای سو گند، مردم کاری کردند که خدا
حسابرس و پی گیر آنان است. (الامامة والسیاسة/ ۱۲)



ابوبکر در روزهای پر گیر و دار اوان
حکومت خود، فاطمه علیها السلام را از ارث
پدر و فداك نیز محروم ساخت. او مدعی بود که از
پیامبر ارث برده نشود. (صحیح بخاری ۵۵۱/۸ و ج ۵/۸۳)
فداك دهکده ای در حجاز است که از آنجا تا
مدینه دو روز و به قول بعضی سه روز راه
بود. (معجم البلدان ۲۳۸/۴)

داستان فدك به سال هفتم هجری برمی گردد.
در آن سال چون اهالی فدك از پیروزیهای سپاه
اسلام در جنگ خیر خبر یافتند، پیامبر صلی الله
علیه و آله را گفتند که زمین فدك را به حضرتش
می دهند مشروط بر اینکه سپاه اسلام بر آنان
حمله نکند. و این مصالحه واقع شد.

از آنجا که این دهکده با نیروی نظامی فتح
نشده بود، به حکم آیه هفتم از سوره حشر، فدك،
خالصه (ملك خاص) پیامبر صلی الله علیه و آله
گردید. و با نزول آیه «فَاتِ ذَالْقُرْبَى حَقَّهُ»
(روم/۳۸) آن حضرت، فدك را به فاطمه علیها
السّلام بخشید. (الدر المنثور ۲۷۳/۵، شواهد التنزیل ۵۷۰/۱،
تأویل الآیات ۴۳۵/۱، معجم البلدان ۲۳۹/۴ و تفسیر فرات

(۳۲۳-۳۲۲/)

حضرت زهرا علیها السّلام از ابوبکر میراث
پدر و فدك را طلب کرد (صحیح بخاری ۵۰۴/۴ و ج ۵/۸۳)

وج ۵۵۱/۸، تاریخ طبری ۴۴۸/۲) و چون نتیجه‌ای از کار خود نگرفت، بر آن شد که این مسأله را در مجمع عمومی مسلمانان مطرح سازد. آن حضرت سربند خود را به سر بست و چادر خویش را بر خود پیچید و در میان جماعتی از زنان روانه مسجد شد. راه رفتنش با راه رفتن پدر تفاوتی نمی‌کرد. ابوبکر با گروهی از مهاجران و انصار و غیر آنان در مسجد نشسته بود. میان آن حضرت و حاضران پرده‌ای آویختند. آن گاه نشست و ناله‌ای جانسوز بر آورد؛ به گونه‌ای که مردم به گریه افتادند. پس از آرام گرفتن مردم، سخنان آتشین خود را آغاز کرد:

...أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَغْلَبُ عَلَىٰ إِزْنِي؟! يَا بَنِي
أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ
لَا أَرِثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا! أَفَعَلَىٰ عَمْدٍ

تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَتَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ
إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (النمل/۱۶)....

... آی مسلمانان! آیا ارث من به زور از دستم
گرفته شود؟! ای پسر ابوقحافه! آیا در
کتاب خداست که تو از پدرت ارث بری و
من از پدرم ارث نبرم؟! عجب نوبر زشتی
آورده‌ای! آیا دانسته کتاب خدا را ترك
گفتید و پشت سر انداختید؟! مگر قرآن
نمی‌گوید: «سَلِيمَانُ از دَاوُد ارث
برد»؟! (الاحتجاج ۱/۱۰۲، دلائل الامامه ۳۴)

* * *

حضرت زهرا علیها السلام در آن روز به
حق خود نرسید، اما سخنانش به بار نشست و
مسلمانان دانستند که حکومت وقت هیچ گونه
مشروعیتی ندارد. ولی کار از کار گذشته بود و

کس نمی توانست دم بر آرد؛ حتی ابوالحسن علیه السلام. چه، اوضاع سیاسی آن روز جامعه اسلامی به گونه ای بود که قیام بر ضد حکومت، به سود اسلام نبود.

از این رو علی علیه السلام در خانه نشست و صبر کرد. اگر آن حضرت قیام می کرد، حرکتش جنبه نظامی به خود می گرفت و آن گاه حتماً خون به راه می افتاد، قبیله های فرصت طلب سربه شورش بر می داشتند و اعراب تازه مسلمان نیز دست از دین می شستند. ولی قیام حضرت فاطمه علیها السلام جنبه دادخواهی و روشنگری داشت. او وظیفه داشت به مسلمانان آگاهی دهد و خلیفه را به آنان بشناساند و چقدر عالی شناساند!

ابن ابی الحدید می نویسد: از علی بن فاروق مدرّس مدرسه غربی بغداد پرسیدم: فاطمه

راست می گفت؟ او گفت: آری. من گفتم:
اگر راست می گفت، پس چرا ابوبکر فدك را به
او بازنگرداند؟! وی با لبخندی پاسخ داد: اگر
آن روز به مجرد ادعا فدك را به او می داد، فردا
خلافت شوهر خود را ادعا می کرد و ابوبکر را
از مقام خود برکنار می ساخت و او هم
نمی توانست سخن وی را نپذیرد. چه، قبول کرده
بود که آن حضرت هر چه گوید راست
است. (شرح نهج البلاغه ۲۸۴/۱۶)

* * *

سرانجام حضرت زهرا علیها السلام از شدت
مصیبت، در بستر بیماری افتاد و به گواهی امام
صادق علیه السلام، جسمش کاهیده و نحیف
شده بود و از شدت حياء باك داشت حجم بدنش
به هنگام تشییع جنازه، دیده شود.

از این رو اسماء را طلبید و مشک‌لش را با وی
در میان نهاد. او که سرزمین حبشه را دیده بود،
کیفیت حمل جنازه در آن سرزمین را که اندرون
هودج یا تابوت انجام می گرفت، برای حضرتش
ارائه کرد. آن حضرت که از زمان ارتحال پدر،
خنده برلبش ننشسته بود، اینک تبسمی فرمود و
این کار مردمان حبشه را تحسین کرد. (وسائل الشیعه
۲۲۰/۳-۲۲۱)

نوشته‌اند: فاطمه علیها السلام نخستین کس
در اسلام بود که پیکر پاکش اندرون تابوت
تشیع شد. (الکافی ۲۵۱/۳)

آن حضرت به علی صلوات الله علیه وصیت
کرد که جنازه‌اش را شبانه دفن کند و قبرش را
نامعلوم سازد. (امالی المفید ۲۸۱)

* * *

عایشه گوید: علی بر جنازه فاطمه نماز گزارد
و او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را خبر
نکرد. (المستدرک علی الصحیحین ۱۶۲/۳، تاریخ المدینه ۱۱/۱)

شیخ مفید نوشته است: ابوبکر و عمر بر
علی علیه السّلام خرده گرفتند که چرا آنان را
خبر نکرد تا بردختر پیغمبر نماز بخوانند. آن
حضرت در پاسخ فرمود: فاطمه خود چنین
خواسته بود. (الاختصاص ۱۸۵/۱)

امام حسین علیه السّلام فرماید: چون فاطمه
علیها السّلام جان به جان آفرین تسلیم کرد،
امیر المؤمنین علیه السّلام ایشان را پنهانی به خاک
سپرد و آثار قبرش را محو ساخت. آن گاه روبه
جانب قبر رسول الله صلی الله علیه و آله کرد و
گفت:

...إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. قَدْ اسْتَرْجَعْتَ
الْوَدِيعَةَ وَأَخَذْتَ الرَّهْيَنَةَ وَأَخْلَسْتَ

الزَّهْرَاءُ. فَمَا أَقْبَحَ الْخَضِرَاءُ وَالْغُبْرَاءُ. يَا
رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا حُزْنِي فَسَرَمَدٌ. وَأَمَا لَيْلِي
فَمُسَهَّدٌ. وَهَمٌّ لَا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ
لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ.... فَبِئْسَ لِلَّهِ
تُذْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَتُهَضَّمُ حَقًّا وَتُمنَعُ
إِزْثَاهَا وَلَمْ يَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ
الذِّكْرُ....

...حقیقت آنکه ما از آن خدائیم و به سوی
خدا باز می گردیم. اکنون امانت باز گردانده
شد و به گرو گذاشته، باز پس داده شد و
زهرا از دست رفت! پس اینک آسمان و زمین
چه زشت می نمایند! ای رسول خدا! از این
پس حزنم جاودانه، و شبهایم به بیداری است؛
و اندوه از دلم نرود، مگر آنکه خدا برای
من نیز گزیند آن سرای را که تو در آن
جای گزیده ای....

خدا گواه است که دخترت پنهانی دفن شود
و حقش پایمال شود و از ارثش محروم گردد.
و این در حالی است که هنوز چندی از
ارتحال تو نگذشته و نام تو از زبانها
نرفته.... (کافی ۱/۴۵۸ - ۴۵۹)

* * *

در تاریخ شهادت حضرت زهرا علیها
السلام دو قول مهم آمده است. شیخ طوسی و
سید ابن طاووس بر آنند که آن حضرت روز
سوم جمادی الثانی به دیار باقی شتافته. (مصباح
المتجّد/۷۳۳، الاقبال/۶۲۳) و شیخ عباس قمی هم در
رسالة قرّة الباصره همین قول را ترجیح داده است.
مستند این بزرگان را می توان روایتی از امام
صادق علیه السلام دانست که به تاریخ
پیشگفته تصریح دارد. (دلائل الامامه/۴۵)

ولی شیخ کلینی دو روایت نقل می کند که طبق آنها مدت درنگ فاطمه علیها السلام پس از پدر، هفتاد و پنج روز بوده. (کافی ۱/۴۵۷ و ۴۵۸) بنابر این اگر ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله را در روز ۲۸ صفر بدانیم، روز شهادت فاطمه علیها السلام، در حدود سیزدهم جمادی الاولی تعیین می شود. از این رو شیخ عباس قمی در رساله قره الباصره نوشته: احوط آن است که در ایام البیض (۱۳، ۱۴ و ۱۵) جمادی الاولی، اقامه ماتم آن مخدّره مظلومه را ترك ننمایند.

گفتنی است که علامه سید عبدالرزاق مقررّم نیز همین قول را اختیار کرده است. (وفاة الصدیقة الزهراء/ ۱۱۴)

* * *

اولاد فاطمه علیها السلام را چنین شمرده اند:

حسن، حسین، زینب، امّ کلثوم و محسن. (تاریخ

اهل البیت/ ۹۳)

گرچه برخی از دانشمندان مکتب خلفا آورده‌اند که محسن در خُردی از دنیا رفته است، (تاریخ طبری ۱۱۸/۴، کامل ابن اثیر ۴۴۰/۲) اما برخی دیگر از آنان چون شهرستانی، ابن حجر عسقلانی نوشته‌اند که این پسر نازنین بر اثر ضربتی، پیش از به دنیا آمدن سقط شده است. (الملل و النحل ۷۳/۱، لسان المیزان ۲۶۸/۱) چنانکه روایات معتبر شیعی نیز همین را می‌گویند. (الاحتجاج ۲۷۸/۱، امالی الصدوق ۱۰۰/۱، دلائل الامامه ۴۵/۴، الاختصاص ۱۸۵/۱) و در روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله، او را وقتی در شکم مادر بود محسن نام نهاد. (الکافی ۱۸/۶)

.....مقام فاطمه عليها السلام

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمايد:

● وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ؛ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ
نُورُ عَيْنِي. وَهِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي. وَهِيَ
رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ. وَهِيَ الْحَوْرَاءُ
الْإِنْسِيَّةُ. مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ
رَبَّهَا جَلَّ جَلَالُهُ، زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ،
كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ
يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي!
انْظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً
بَيْنَ يَدَيَّ، تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَقَدْ
أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي. أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ

آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ.

أُمَالِي الصَّدُوقِ / ٩٩ - ١٠٠

□ و اما دخترم فاطمه، سیده زنان جهان از پیشینیان و آیندگان است. او پاره‌ای از تن من است. او نور چشم من است. او میوه دل من است. او جان من در میان پیکر من است. او حوریّه‌ای انسانی است. هرگاه در محرابش مقابل پروردگارش جلّ جلاله بایستد، فرشتگان آسمان را نور افشانی کند، همان گونه که ستارگان اهل زمین را نور افشانی کنند. و خدای عزّ و جلّ به فرشتگان فرماید: فرشتگان من! نگاه کنید کنیزم فاطمه سیده کنیزانم را که در مقابل من به عبادت ایستاده، بند بند بدنش از خوف من

می لرزد، در حالی که از جان و دل به عبادت
من روی کرده. شما را گواه می گیزم که
پیروانش را از آتش امان داده ام.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

● فاطمة بضعة مني. من سرّها، فقد
سرّني. و من ساءّها، فقد ساءّني. فاطمة أعرز
البرية عليّ.

امالی المفید / ۲۶۰

□ فاطمه پاره تن من است. هر که او را شاد کند،
مرا شاد کرده. و هر که او را رنجیده سازد، مرا
رنجانده. فاطمه عزیزترین آفریده نزد من
است.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

● فاطمة بهجة قلبي. و ابناها ثمرة

فُوَادِي. وَبَعْلُهَا نُورُ بَصَرِي. وَالأَئِمَّةُ
مِنْ وَلَدِهَا أَمَنَاءُ رَبِّي وَحَبْلُهُ الْمَمْدُودُ
بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ. مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ
نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى.

ارشاد القلوب/ ۲۳

□ فاطمه شادی بخش قلب من است. و پسرانش
میوه دل منند. و شویش نور چشم من است. و
امامان از فرزندان او امینان پروردگارم و
رسمان آویخته بین او و آفریدگانش باشند.
□ هر که به آنان پیوندد، نجات یابد. و هر که از
آنان ببرد، هلاک شود.

حضرت کاظم علیه السلام فرماید:
● إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ.

الكافی ۱/ ۵۸

□ فاطمه عليها السلام صدّيق و شهيد است.

حضرت صادق عليه السلام فرماید:

● فاطمةٌ كوكبٌ درّیٌّ مِنْ بَیْنِ نِساءِ الْعَالَمِینَ.

تفسیر فرات/ ۲۸۲

□ فاطمه ستاره‌ای درخشان از بین زنان جهان است.

..... بزرگداشت فاطمه عليها السلام

عایشه گوید:

● ما رأیتُ أحداً كانَ أشَبَّهَ كلاماً وَ حَدِيثاً مِنْ

فاطمةَ برَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. وَ

كانتُ إذا دَخَلْتُ عَلَيْهِ، رَحَّبَ بِها وَ قامَ إليها

فأَخَذَ بِيَدِها فَجَبَّلَها وَ أَجَلَسَها في مَجْلِسِهِ.

المستدرک علی الصحیحین ۱۵۴/۳

□ ندیدم کسی را که کلام و سخن او شبیه تر از
 فاطمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 باشد. هنگامی که فاطمه نزد آن حضرت
 می آمد، حضرتش او را خوش آمد و مرحبا
 می گفت و به احترام او از جای بر می خاست.
 □ دستش را می گرفت و می بوسید و او را در
 جای خود می نشاند.

ابن عمر گوید:

● إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا
 سَافَرَ، كَانَ آخِرُ النَّاسِ عَهْدًا بِهِ فَاطِمَةَ. وَ
 إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ، كَانَ أَوَّلُ النَّاسِ بِهِ عَهْدًا
 فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا.

المستدرک علی الصحیحین ۳/ ۱۵۶،

ذخائر العقبی ۳۷/

□ آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
عزم سفر می کرد، آخرین کس که با او دیدار
می کرد، فاطمه بود. و هرگاه از سفر
باز می گشت، نخستین کس که با او دیدار
می کرد، فاطمه رضی الله عنها بود.

عایشه گوید:

● كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَدِمَ مِنْ
سَفَرٍ قَبْلَ نَحْرِ فَاطِمَةَ وَقَالَ: مِنْهَا أَشْمٌ
رَائِحَةُ الْجَنَّةِ.

ینابیع الموده / ۱۷۴

□ هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر
باز می گشت، گلوی فاطمه را می بوسید و
می فرمود: از او بوی بهشت می شنوم.

..... سیادت فاطمه علیها السلام □

ابن ابی الحدید گوید:

● قَدْ تَوَاتَرَ الْخَبَرُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَنَّهُ قَالَ: فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

شرح نهج البلاغه ۲۵۶/۱۰

□ این خبر از پیامبر صلی الله علیه و آله به تواتر
رسیده که فرمود: فاطمه سیده زنان جهان
است.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

● فَأَيُّمَا امْرَأَةٍ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ
خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ
حَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَزَكَتْ مَالَهَا وَ
أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَوَالَتْ عُلْيَا بَعْدِي، دَخَلَتْ

الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ. وَإِنَّهَا لَسَيِّدَةُ
 نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَهِيَ سَيِّدَةُ
 لِنِسَاءِ عَالَمِهَا؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
 سَلَّمَ: ذَاكَ لِمَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ. فَأَمَّا ابْنَتِي
 فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ
 الْآخِرِينَ.

أُمَالِي الصَّدُوقِ / ٣٩٣ - ٣٩٤

□ هر زنی که روز و شب نمازهای پنجگانه را
 خواند و ماه رمضان را روزه دار شود و بیت الله
 الحرام را زیارت کند و مالش را پاکیزه سازد و
 شویش را اطاعت کند و بعد از من علی را
 دوست و سرپرست گیرد، به شفاعت دخترم
 فاطمه داخل بهشت شود. او سرور زنان جهان
 است. گفتند: ای رسول خدا! او سرور زنان

جهان دوران خویش است؟ آن حضرت
فرمود: این مرتبت مریم بنت عمران را باشد. و
اما دخترم فاطمه سرور زنان جهان از پیشینیان
و پسینیان است.

..... محبت فاطمه علیها السلام

رسول الله صلى الله عليه وآله فرماید:

● یا سلمان! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ
مَعِيَ. وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ. یا سلمان!
حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائَةِ مِنَ الْمَوَاطِنِ
أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَ
الْمِيزَانُ وَالْحَشْرُ وَالصَّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ.
فَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي رَضِيَ عَنْهُ. وَ
مَنْ رَضِيَ عَنْهُ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ

غَضِبْتُ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ، غَضِبْتُ عَلَيْهِ. وَ مَنْ
 غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ. وَ وَيْلٌ لِمَنْ
 يَظْلِمُهَا وَ يَظْلِمُ بَعْلَهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا
 عَلَيْهِ السَّلَامُ! وَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَ
 شِيعَتَهَا!

ارشاد القلوب ۲/ ۲۹۴

□ ای سلمان! هر که فاطمه را دوست بدارد، او در
 بهشت با من باشد. و هر که او را دشمنی کند،
 او در آتش باشد. ای سلمان! دوستی فاطمه در
 صد جای سودمند افتد، که کمترین آنها مرگ
 و قبر و میزان و حشر و صراط و محاسبه باشد.
 هر که را دخترم از او خشنود باشد، من نیز از او
 خشنودم. و هر که را من از او خشنود باشم، خدا
 نیز از او خشنود باشد. و هر که را فاطمه غضب

کند، من نیز بر او غضب کنم. و هر که را من
 بر او غضب کنم، خدای نیز بر او غضب کند.
 وای بر آنان که بر او و شویش امیر المؤمنین
 علی علیه السلام ستم کنند! و وای بر آنان که
 فرزندان و شیعیان او را ستم کنند!

..... محبوبیت فاطمه علیها السلام

جُمَیْع بن عُمَیْر تیمی گوید:
 ● دَخَلْتُ مَعَ عَمَّتِي عَلَى عَائِشَةَ. فَسُئِلْتُ: أَيْ
 النَّاسِ كَانَ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ قَالَتْ:
 فَاطِمَةُ. فَقِيلَ: مِنَ الرِّجَالِ؟ قَالَتْ: زَوْجُهَا.

سنن الترمذی ۱/۵ ۷۰ ح ۳۸۷۴

□ به همراه عمه‌ام نزد عایشه رفتم. از او سؤال
 کردند: کدامین مردم به نزد رسول الله (ص)

محبوبتر بود؟ گفت: فاطمه. گفتند: از مردان؟

گفت: شوهرش.

..... عصمت فاطمه علیها السلام

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

● فاطمة بضعة منی. فمن أغضبها،
أغضبني.

صحیح بخاری ۵/۸۳ و ۹۶

□ فاطمه پاره تن من است. هر که او را به خشم
آرد، مرا به خشم آورده.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

● إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضِبُ لِعِظَابِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى
لِرِضَاهَا.

أمالی المفید/ ۹۵، العیون ۲/ ۶۷

□ به راستی خدای به غضب فاطمه غضب کند و
به خشنودی او خشنود شود.

حضرت فاطمه علیها السلام به ابوبکر و عمر
فرمود:

● نَشَدْتُكُمَا اللّٰهَ اَلَمْ تَسْمَعَا رَسُوْلَ اللّٰهِ (ص)
يَقُوْلُ: «رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَايَ. وَ سَخَطُ
فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي. فَمَنْ اَحَبَّ فَاطِمَةَ
ابْنَتِي، فَقَدْ اَحَبَّنِي. وَمَنْ اَرْضَى فَاطِمَةَ،
فَقَدْ اَرْضَانِي. وَمَنْ اَسَخَطَ فَاطِمَةَ، فَقَدْ
اَسَخَطَنِي.»؟! قَالَا: نَعَمْ سَمِعْنَاهُ مِنْ رَسُوْلِ
اللّٰهِ (ص).

الامامة والسياسة / ۱۳

□ شما را به خدای، آیا نشنیدید از رسول الله (ص)

که می فرمود: «خشنودی فاطمه از خشنودی
من است. و خشم فاطمه از خشم من است. از
این رو هر که دخترم فاطمه را دوست بدارد، مرا
دوست داشته. و هر که فاطمه را خشنود سازد،
مرا خشنود ساخته. و هر که فاطمه را به خشم
آرد، مرا به خشم آورده.»؟ آن دو گفتند:
چرا، این سخن را از رسول الله (ص) شنیدیم.

✽ محقق عالی مقام سید شرف الدین موسوی
(۱۳۷۷ هـ) می نویسد:

برخی از اهل نظر با تدبیر در این حدیث، اشاره
به عصمت آن حضرت را دانسته اند. چه، این
کلام دلالت دارد بر اینکه آزرده گی، ناراحتی،
خشم، نارضایتی، گرفتگی و خوشی آن
حضرت، بی مورد واقع نشود؛ چنانکه

آزردگی، ناراحتی، خشنودی، نارضایی،
گرفتگی و خوشی پیامبر (ص) نیز این گونه
باشد. و این کنه و حقیقت عصمت است.

الكلمة الغراء في تفضيل

الزهراء/ ۵۲

زید بن ارقم گوید:

● إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ
حَارَبْتُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ.

سنن الترمذی ۵/۶۹۹، ح ۳۸۷۰

□ رسول الله (ص) به علی و فاطمه و حسن و
حسین فرمود: من در جنگم با آنان که با شما
در جنگند و در صلحم با آنان که با شما در
صلحند.

❖ علامه فقید سید شرف الدین موسوی گوید:

این حدیث نیز در دلالت بر برتری و عصمت
آن حضرت، همچون حدیث پیشگفته باشد.
اضافه بر اینکه از این حدیث، کفر جنگ
کنندگان با آنان نیز استفاده می شود.

الكلمة الغراء فی تفضیل

الزهراء/ ۵۳

..... صداقت فاطمه علیها السلام

عایشه گوید:

● مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرِ
أَبِيهَا.

حلیة الأولیاء ۱/۲ ۴

□ کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش.

..... شباهت فاطمه به پیامبر صلی الله علیهما و آلهما

عایشه گوید:

● ما رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَبَّهَ سَمْتًا وَ دَلًّا وَ هَذِيًّا

بِرَسُولِ اللَّهِ فِي قِيَامِهَا وَ قُعُودِهَا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ

رَسُولِ اللَّهِ.

سنن الترمذی ۷۰۰/۵ ح ۳۸۷۲

□ کس ندیدم که در سیما و رفتار و حسن حال به

گاه برخاستن و نشستن، شبیه تر از فاطمه به

رسول الله باشد.

أنس بن مالك گوید:

● سَأَلْتُ أُمِّي عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ. فَقَالَتْ: كَأَنْتِ كَالْقَمَرِ

□ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، أَوِ الشَّمْسِ كُفِّرَتْ [ت] غَمَامًا إِذَا

خَرَجَ [ت] مِنْ السَّحَابِ. بَيْضَاءُ مُشْرِبَةً
حُمْرَةً، لَهَا شَعْرٌ أَسْوَدٌ، مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ
بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَبَّهًا.

المستدرک علی الصحیحین

۱۶۱/۳

□ از مادرم درباره فاطمه دخت رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم سؤال کردم. او در پاسخ گفت: آن حضرت مانند ماه شب چهاردهم بود، یا مانند خورشیدی که گرداگرد او را ابر پوشانده باشد و او از ابر بیرون شده باشد. آن حضرت سپید چهره‌ای بود که سپیدی آن با سرخی آمیخته و موهایش سیاه و از شبیه‌ترین مردم به رسول الله صلى الله عليه وآله بود.

..... حرمت نام فاطمه عليها السلام

سكونی گوید:

● دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا

مَغْمُومٌ مَكْرُوبٌ. فَقَالَ لِي: يَا سَكُونِي، مَا

غَمُّكَ؟ فَقُلْتُ: وُلِدْتُ لِي ابْنَةٌ. فَقَالَ: يَا

سَكُونِي، عَلَى الْأَرْضِ ثِقُلُهَا. وَعَلَى اللَّهِ

رِزْقُهَا. تَعِيشُ فِي غَيْرِ أَجْلِكَ. وَتَأْكُلُ مِنْ

غَيْرِ رِزْقِكَ. فَسَرَى وَاللَّهِ. عَنِّي. فَقَالَ: مَا

سَمَّيْتَهَا؟ قُلْتُ: فَاطِمَةٌ. قَالَ: آه! آه! ثُمَّ

وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ فَقَالَ: ... أَمَا إِذَا سَمَّيْتَهَا

فَاطِمَةَ فَلَا تُسَبِّهَا وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تُضْرِبُهَا.

الكافي ٤/١٦

□ به محضر امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم،

در حالی که غمگین و افسرده بودم. حضرتش فرمود: ای سکونی، چرا ناراحتی؟ گفتم: دختری مرا زاده شد. فرمود: ای سکونی، سنگینیش بر زمین است و روزیش بر خدای. زندگیش از عمر تو نکاهد و خوردنش از روزی تو نباشد. سکونی گفت: به خدای سوگند که امام علیه السلام اندوه مرا از میان برد. و سپس گفت: او را چه نام نهادی؟ گفتم: فاطمه. گفت: آه! آه! و دستش را بر پیشانی گذارد و فرمود: حال که نامش فاطمه نهادی، او را دشنام مده و لعن مکن و مزن.

حضرت کاظم علیه السلام فرماید:

● لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحَدٍ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ

طالبٍ أو عبد الله أو فاطمة من النساء.

الكافي ۱۹/۶

□ فقر داخل خانه‌ای نشود که در آن نام محمد یا

احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب

یا عبدالله یا فاطمه - در زنان - باشد.

..... تفسیر نام فاطمه علیها السلام

رسول الله صلى الله عليه وآله فرماید:

● إني سميت ابنتي فاطمة. لأن الله عزَّ و

جلَّ فطمها و فطم من أحبها من النار.

العيون ۱/۶۷، ينابيع المودة/۱۹۴

□ من دخترم را فاطمه نام نهادم. زیرا که خدای

عزَّ و جلَّ او و محبتانش را از آتش به کنار

نهاده.

رسول الله صلى الله عليه وآله فرماید:

● إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ فَاطِمَةً، لِأَنَّهَا فُطِمَتْ
هِيَ وَ شِيعَتُهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ.

دلائل الإمامه/ ۵۴

□ فاطمه را فاطمه نام نهادند از آن رو که او و
پیروانش و فرزندان او از آتش برکنارند.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

● إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا مِنْ مَعْرِفَتِهَا..

تفسیر فرات/ ۵۸۱

□ فاطمه را فاطمه نام نهادند از آن رو که آدمیان
از معرفت او درماندند.

..... عبادت فاطمه علیها السلام

حضرت حسن علیه السلام فرماید:

● رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً

الْجُمُعَةِ. فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى
 انْفَلَقَ عُمُودُ الصُّبْحِ. وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو
 لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِيَهُمْ وَ تُكْثِرُ
 الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ.
 فَقُلْتُ: يَا أُمَّاهُ! لِمَ لَمْ تَدْعِي لِنَفْسِكَ كَمَا
 تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟! قَالَتْ: يَا بُنَيَّ! الْجَارُ ثُمَّ
 الدَّارُ.

کشف الغمّه ۹۴/۲، دلائل

الإمامه ۵۶

□ مادر م فاطمه را بدیدم که شب جمعه در
 محرابش به عبادت ایستاده، پیوسته تا بامداد در
 رکوع و سجود بود. و شنیدم که مردان و زنان
 مؤمن را دعا می کرد و نام آنان را بر زبان
 جاری می ساخت و بسیار برایشان دعا می کرد.

ولی برای خود چیزی نمی خواست. بدو گفتم:
مادر! چرا برای خود همچون دیگران دعا
نمی کنی؟! فرمود: پسر! اول همسایه آن گاه
خانه.

..... حجاب فاطمه علیها السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

● اِسْتَأْذَنَ اَعْمٰی فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهَا
فَحَجَبَتْهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ: لِمَ حَجَبْتِیْهِ وَهُوَ لَا یَرَاکِ؟! فَقَالَتْ
عَلِیْهَا السَّلَام: اِنْ لَمْ یَكُنْ یَرَانِیْ، فَاِنِّیْ اُرَاهُ. وَ
هُوَ یَشُمُّ الرِّیْحَ. فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ: اَشْهَدُ اَنَّکِ بَضْعَةٌ مِنِّیْ.

نوادراتراوندی/۱۳-۱۴

□ نابینایی از فاطمه صلوات الله علیها رخصت
 طلبید تا وارد شود، ولی آن حضرت او را از
 داخل شدن بازداشت. رسول الله صلی الله علیه
 و آله به حضرتش فرمود: چرا او را بازداشتی
 در حالی که او تو را نمی بیند؟! آن حضرت
 عرض کرد: گرچه او مرا نمی بیند، اما من او را
 می بینم؛ و به علاوه او بوی را می شنود. رسول
 الله صلی الله علیه و آله فرمود: گواهی دهم که
 تو پاره‌ای از تن منی.

.....خانه‌داری فاطمه علیها السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

● جَرَّتْ بِالرَّحَى حَتَّى أَثَرَتْ بِيَدِهَا. وَ
 اسْتَقَّتْ بِالْقِرْبَةِ حَتَّى أَثَرَتْ فِي نَحْرِهَا. وَ

قَمَّتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا. وَ
أَوْقَدَتِ الْقِدْرَ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا.

سنن أبي داود ۳۱۵/۴ ح ۵۰۶۳

□ فاطمه دستاس کرد به اندازه‌ای که در دستش
اثر گذاشت. و با مشک آب کشید به گونه‌ای
که گردنش رنجیده شد. و خانه را جاروب زد
به طوری که لباسهایش خاک آلوده گردید. و
برای پخت و پز آتش افروخت تا آنکه رنگ
لباسهایش به سیاهی نشست.

..... همسر داری فاطمه علیها السلام

حضرت باقر علیه السلام فرماید:

● إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ضَمِنْتُ لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخُبْزِ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَ

ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ
 مِنْ نَقْلِ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ. فَقَالَ لَهَا
 يَوْمًا: يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟ قَالَتْ: لَا وَالَّذِي
 عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ
 نُقْرِيكَ بِهِ. قَالَ: أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي؟! قَالَتْ: كَانَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَهَانِي أَنْ أُسْأَلَكَ
 شَيْئًا. فَقَالَ: لَا تَسْأَلِي ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا، إِنْ جَاءَكَ
 بِشَيْءٍ عَفْوًا وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ.

تفسير العتاشي ١٧١/١

□ فاطمه عليها السلام برای علی علیه السلام تعهد
 نمود که کار خانه را انجام دهد و خمیر آماده
 کند و نان پزد و خانه را جارو زند. و علی علیه
 السلام نیز برای او تعهد نمود آنچه را که در
 بیرون خانه است انجام دهد؛ مانند حمل هیزم و

رساندن گندم. روزی علی علیه السلام او را گفت: ای فاطمه، آیا چیزی داری؟ او گفت: نه، سوگند به آن که حق تو را بزرگ داشت، سه روز است که در بساط چیزی نداریم که از تو پذیرایی نمایم. علی علیه السلام گفت: چرا به من نگفتی؟! آن حضرت گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا نهی کرده است از اینکه از تو چیزی بخواهم، و فرموده است: از پسر عمت چیزی مخواه. اگر تو را چیزی آورد که آورد و گرنه تو از او چیزی درخواست مکن.

..... صلوات و سلام بر فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام فرماید:

● قال لی رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ!

مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَالْحَقُّهُ بِي
حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.

کشف الغمّه ۹۸/۲

□ رسول الله صلى الله عليه وآله مرا گفت: ای
فاطمه! هر که بر تو صلوات گوید، خدای او را
بیامرزد و در بهشت او را به جایگاه من ملحق
کند.

جَدِّ يَزِيدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ نَوْفَلِيْ كَوَيْدُ:

● دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَبَدَأْتَنِي بِالسَّلَامِ. قَالَ:
وَقَالَتْ: قَالَ أَبِي وَهُوَ ذَا حَيٍّ: مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَ
عَلَيْكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. قُلْتُ لَهَا: ذَا
فِي حَيَاتِهِ وَحَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِ وَمَوْتِكَ؟

قَالَتْ: فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ وَفَاتِنَا.

مناقب ابن المغازلی / ۳۶۴

□ حضور فاطمه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدم. نخست آن حضرت مرا سلام داد و فرمود: پدرم که اینک زنده است، مرا فرمود: هر که بر من و تو سه روز سلام دهد، او را بهشت باشد.

راوی گوید: حضرتش را گفتم: آنچه فرمودی در زمان حیات ایشان و حیات شما باشد، یا پس از رحلت ایشان و رحلت شما؟ آن حضرت فرمود: هم در حیات ما باشد و هم پس از وفات ما.

..... زیارت فاطمه علیها السلام

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

● لَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ، كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ

السَّلام يَزُورُ قَبْرَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ.

الفصول المهمة / ١٤٨

□ چون فاطمه عليها السَّلام در گذشت، علی علیه السَّلام همه روزه قبر آن حضرت را زیارت می کرد.

رسول الله صَلَّى الله عليه وآله فرماید:

● مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي، فَكَأَنَّهُ زَارَنِي فِي حَيَاتِي. وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ، فَكَأَنَّهُ زَارَنِي. وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَكَأَنَّهُ زَارَ فَاطِمَةَ. وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، فَكَأَنَّهُ زَارَ عَلِيًّا. وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا، فَكَأَنَّهُ زَارَهُمَا.

بشارة المصطفى / ١٣٩

□ هر که مرا پس از وفاتم زیارت کند، گویا مرا در

حال حیاتم زیارت کرده. و هر که فاطمه را
زیارت کند گویا مرا زیارت کرده. و هر که
علی بن ابی طالب را زیارت کند، گویا فاطمه
را زیارت کرده. و هر که حسن و حسین را
زیارت کند، گویا علی را زیارت کرده. و
هر که فرزندان پاک آن دو را زیارت کند،
گویا آن دو را زیارت کرده است.

..... کیفیت زیارت فاطمه علیه السلام

● السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ

أَجْمَعِينَ!

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّهَا!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ

وَصِيَّ نَبِيِّكَ صَلَاةً تَزُلْفُهَا فَوْقَ زُلْفِي
عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ
الْأَرْضِينَ.

□ سلام بر تو ای سیده زنان جهان!

سلام بر تو ای مادر حجتهای خدا بر همگی مردم!
سلام بر تو ای مظلومی که از حقش باز داشته شد!
خدایا، بر کنیزت و دخت پیامبرت و همسر
وصی پیامبرت، صلواتی فرست که او را به تو
نزدیک کند بر فراز نزدیکی بندگان مکرمت از
اهل آسمانها و اهل زمین.

✽ سید ابن طاووس گوید: در روایت است که هر که
آن حضرت را به این عبارات زیارت کند و
خدای را استغفار کند، خدای او را ببخشد و به
بهشت وارد نماید. (الاقبال/ ۶۲۳)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (هـ ۶۵۶) شرح نهج البلاغه، تحقيق محمّد ابوالفضل ابراهيم، مصر، ۱۳۵۸ هـ.
۳. ابن اثير، علي بن ابی الكرم (هـ ۶۳۰) الكامل في التاريخ، تحقيق علي شيري، بيروت، ۱۴۰۸ هـ.
۴. ابن اسحاق، محمّد بن اسحاق بن يسار (هـ ۱۵۱) سيرة ابن اسحاق، تحقيق دكتور سهيل زكار، بيروت، ۱۳۹۸ هـ.
۵. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (هـ ۸۵۲) لسان الميزان، مؤسسة الاعلمي - بيروت، ۱۴۰۶ هـ.
۶. ابن سعد، محمّد بن منيع (هـ ۲۳۰) الطبقات الكبرى، دار بيروت و دار صادر - بيروت، ۱۳۷۶ هـ.
۷. ابن شبة، ابوزيد عمر بن شبة النميري البصري (هـ ۲۶۲) تاريخ المدينة المنورة، تحقيق فهد شلتوت، بيروت، ۱۴۱۰ هـ.
۸. ابن شهر آشوب، محمّد بن علي (هـ ۵۸۸) مناقب آل ابی طالب، دار الاضواء - بيروت، ۱۴۰۵ هـ.
۹. ابن الصباغ، علي بن محمّد بن احمد مالكي (هـ ۸۵۵)

الفصول المهمة، اعلمي - تهران.

١٠ و ١١. ابن طاووس، سيد علي بن موسى (٥٦٤٤هـ)

- اقبال الاعمال، دارالكتب الاسلاميه - تهران.

- جمال الاسبوع، منشورات الرضى - قم.

١٢. ابن عبد ربه اندلسي، ابو عمر احمد بن محمد (٥٤٩٥هـ)

العقد الفريد، تحقيق احمد امين، احمد الزين و ابراهيم الأبياري،

بيروت، ١٤٠٨هـ.

١٣. ابن قتيبه دينوري، ابو محمد عبد الله بن مسلم (٢٧٦هـ)

الامامة والسياسة، چاپ مصطفى محمد - مصر.

١٤. ابن المغازلي، علي بن محمد (٤٨٣هـ)

مناقب علي بن ابي طالب، تحقيق محمد باقر بهبودي، تهران، ١٤٠٢هـ.

١٥. ابوداود، سليمان بن اشعث سجستاني (٢٧٥هـ)

سنن ابي داود، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد، دار احياء السنة

النبويه.

١٦. اربلي، علي بن عيسى بن ابي الفتح (٦٩٣هـ)

كشف الغفة في معرفة الائمة، تحقيق سيد هاشم رسولي، بيروت،

١٤٠١هـ.

١٧. اصفهاني، ابونعيم احمد بن عبد الله (٤٣٠هـ)

حلية الاولياء، چ دوم، دارالكتب العربي - بيروت، ١٣٨٧هـ.

١٨. بخارى، محمد بن اسماعيل (٥٢٦٥هـ)

صحيح البخارى، تحقيق قاسم الشماعى الرفاعى، بيروت، ١٤٠٧هـ.

١٩. ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سوره (٥٢٩٧هـ)

سنن الترمذى، تحقيق احمد محمد شاكر، بيروت.

٢٠. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (٤٠٣/٤٠٥هـ)

المستدرک على الصحيحين، مكتبة النصر الحديثه - رياض.

٢١. حرّ عاملى، محمد بن الحسن (١١٠٤هـ)

وسائل الشيعة، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم،

١٤٠٩هـ.

٢٢. حسانى، عبدالله بن عبدالله (بعد ٤٩٠هـ)

شواهد التنزيل، تحقيق محمودى، تهران، ١٤١١هـ.

٢٣. حسينى، سيد شرف الدين على (سده ١٢هـ)

تأويل الآيات الظاهره، تحقيق و نشر مدرسة الامام المهدي عليه

السلام - قم، ١٤٠٧هـ.

٢٤. حموى رومى، ياقوت بن عبدالله (٦٢٦هـ)

معجم البلدان، دارصادر - بيروت.

٢٥. خوارزمى، الموفق بن احمد المكي (٥٦٨هـ)

مناقب امير المؤمنين عليه السلام، نينوى الحديثه - تهران.

٢٦. ديلمى، حسن بن ابى الحسن (سده ٨هـ)

- ارشاد القلوب، منشورات الرضى - قم.
۲۷. راوندی، سید فضل الله بن علی حسینی (قرن پنجم هـ)
نوادر، نجف، ۱۳۷۰ هـ.
۲۸. روایة كبار المحدثین و المورّخين
تاریخ أهل البيت علیهم السلام، تحقیق سید محمد رضا حسینی،
مؤسسة آل البيت علیهم السلام - قم، ۱۴۱۰ هـ.
۲۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر (۹۱۱ هـ)
الدر المنثور، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.
۳۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۵۴۸ هـ)
الملل و النحل، دارالمعرفه - بیروت، ۱۳۹۵ هـ (چاپ شده در حاشیه
الفصل فی الملل و الالهواء و النحل).
- ۳۱ - ۳۳. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی
(۳۸۱ هـ)
- الامالی، چ پنجم، اعلمی - بیروت، ۱۴۰۰ هـ.
- الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین - قم.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ رضا مشهدی - قم، ۱۳۶۳ ش.
۳۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب (سده ۶ هـ)
الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی، نشر مرتضی،
۱۴۰۳ هـ.

۳۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۳۱۰هـ)
تاریخ الامم و الملوك، چ پنجم، اعلمی - بیروت، ۱۴۰۹هـ.
۳۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم (سده ۴هـ)
دلائل الامامه، چ سوم، منشورات الرضی - قم، ۱۳۶۳هـ.
- ۳۷ و ۳۸. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله (۶۹۴هـ)
- ذخائر العقبی، مكتبة القدسی - قاهره، ۱۳۵۶هـ.
- الرياض النضره، دار الكتب العلمیه - بیروت.
۳۹. طبری، محمد بن علی (سده ۶هـ)
بشارة المصطفی، چ دوم، نجف، ۱۳۸۳هـ.
۴۰. طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰هـ)
مصباح المتعبد، تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی، چ سنگی.
۴۱. عسکری، الامام ابو محمد حسن بن علی علیهم السلام (۲۶۰هـ)
تفسیر الامام، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي علیه السلام - قم،
۱۴۰۹هـ.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود (سده ۴هـ)*
تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی، علمیه اسلامیه - تهران.
۴۳. ققی، شیخ عباس (۱۳۵۹هـ)
قرّة الباصره، به کوشش رضا استادی، در راه حق - قم، ۱۳۶۵ش.
۴۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴هـ)

- ينابيع المودة، كاظمين وقم، ١٣٨٥ هـ.
٤٥. كليني، محمد بن يعقوب (٣٢٨ يا ٣٢٩ هـ)
- الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، ١٣٨٨ هـ.
٤٦. كوفي، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم بن فرات (غيبت صفري)
- تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد الكاظم، تهران، ١٤١٠ هـ.
- ٤٧ و ٤٨. مسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين بن علي (٣٤٦ هـ)
- مروج الذهب، تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد، دارالمعرفة - بيروت.
- اثبات الوصية، منشورات الرضى - قم، ١٤٠٤ هـ.
- ٤٩ و ٥٠. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (٤١٣ هـ)
- الامالي، تحقيق حسين استاد ولي، جامعة مدرسين.
- الاختصاص، تحقيق علي اكبر غفاري، جامعة مدرسين - قم.
٥١. مقرّم، سيد عبدالرزاق موسى
- وفاة الصديقة الزهراء، نجف، ١٣٧٠ هـ.
٥٢. موسى، سيد شرف الدين (١٣٧٧ هـ)
- الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء، مكتبة نينوى الحديثه - تهران.
٥٣. واقدى، محمد بن عمر بن واقد (٢٠٧ هـ)
- المغازي، تحقيق دكتور مارسدن جونس، بيروت، ١٤٠٩ هـ.